

درباره فرهنگ لانگن شایت

می توان آنها را بر طرف نمود، وجودشان میزان استفاده از آن را تا حد زیادی تنزل می دهد. در اینجا به اختصار به همین موارد می پردازیم.

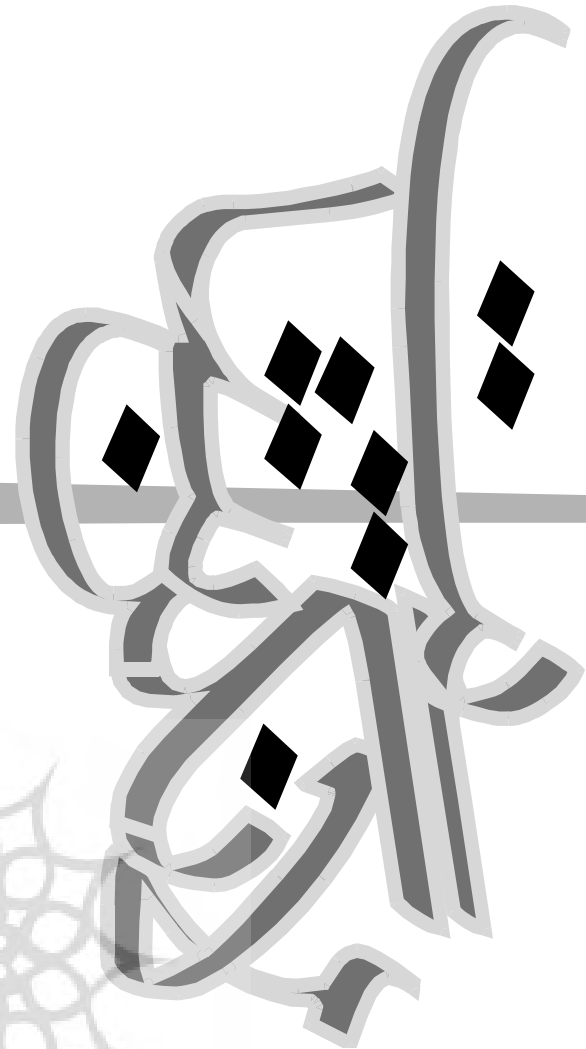
بخش فارسی - آلمانی فرهنگ از چپ به راست شروع شده است. این عمل گذشته از آنکه مرسوم نیست، کار مراجع فارسی زبان را که به ترتیب راست به چپ عادت کرده است، بسیار مشکل می سازد. البته فرهنگ حاضر نخستین فرهنگ فارسی نیست که از چپ به راست چیده شده، تاجایی که نگارنده می داند تعدادی از واژگانها و واژه نامه های انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی در مرکز نشر دانشگاهی نیز به این شیوه منتشر شده است. ظاهراً مؤلفان آن آثار حاضر نبودند در کشور خود کتابی چاپ کنند که با زبان بیگانه شروع شده باشد! در هر حال با توجه به اینکه خط فارسی از راست به چپ و خط آلمانی از چپ به راست است، برای خوانندگان هر دو زبان راحت ترین راه این است که فرهنگ فارسی - آلمانی را از راست به چپ، و فرهنگ آلمانی - فارسی را از چپ به راست ورق بزنند.

هدف افراد از مراجعه به فرهنگ لغت، فقط یافتن معنا یا معادل مناسبی برای یک واژه یا اصطلاح نیست. در بسیاری موارد مراجع معنای لغت را می داند، ولی برای کسب اطلاعات فرعی دیگر (مثلاً جنس دستوری لغت، شکل جمع یا اضافه آن، محل تکیه و غیره) به فرهنگ رجوع می کند. در مورد زبانهایی چون آلمانی که تصریف واژه در آن کاربرد و اهمیت بسیاری دارد، ذکر این اطلاعات فرعی اهمیت بسیاری می یابد. متأسفانه در فرهنگ حاضر به این موارد، که با استفاده از برخی تمهیدات جزئی و کم حجم می توان آنها را مشخص کرد، توجه چندانی نشده است. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

در تمام فرهنگهای آلمانی، حتی در فرهنگهایی که برای خود آلمانی زبانها نگاشته می شود، افعال جداشدنی از افعال جداشدنی با استفاده از علائم تکیه گذاری متمایز می شوند، اما چنین امری در فرهنگ حاضر صورت نگرفته است. مثلاً اگر فردی نداند فعل *bfahren a* جداشدنی یا جداشدنی است، با رجوع به این فرهنگ مشکلش حل نمی شود. حال اینکه با تعیین محل تکیه در این فعل، مثلاً به شکل *a.bfahren*، مراجع به راحتی

فرهنگ حاضر نخستین فرهنگی است که انتشارات لانگن شایت برای زبان فارسی و آلمانی منتشر کرده است. البته این ناشر صاحب نام آلمانی، قبلاً فرهنگ فارسی - آلمانی علوی و یونکر را که مدتها پیش در آلمان شرقی سابق منتشر شده بود، با قطع و شکل و شمایل جدید و مطلوب تری تجدید چاپ کرده بود، اما فرهنگ حاضر نخستین فرهنگی است که صرفاً به سفارش این ناشر و نیز با استفاده از امکانات گوناگون آن، همچون دسترسی به لغات پایه آلمانی، بهره جویی از برنامه های کامپیوتری و پیشرفته حروفچینی، برخورداری از فن آوریهای جدید چاپ و صحافی و کاغذ و غیره برای زبان فارسی و آلمانی منتشر شده است. با توجه به اینکه لانگن شایت فرهنگهای متعددی برای زبانهای گوناگون منتشر کرده است، انتشار فرهنگ فارسی - آلمانی، آلمانی - فارسی حاضر را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که به دنبال این اثر، لانگن شایت فرهنگهای مفصل تر دیگری نیز برای زبان فارسی منتشر کند.

این فرهنگ ۴۸۰ صفحه دارد، ضخامت آن حدوداً ۷۵ سانتی متر، و قطع آن $۱۷ \times ۱۰/۵$ است؛ یعنی به رغم کثرت صفحات و تنوع مطالب به راحتی در جیب پیراهن جای می گیرد. نیمی از این فرهنگ، فارسی - آلمانی و نیم دیگر آن آلمانی - فارسی است، و در مجموع شامل حدود ۱۸۰۰۰ واژه (واژه سرمدخل و زیرمدخل) است. این فرهنگ از حروفچینی بسیار دقیق و هوشمندانه ای برخوردار است، به طوری که از تمام فضای صفحات آن استفاده شده و در عین حال تنوع حروف و به کارگیری روشمند فاصله ها و فضاها ی خالی، ظاهر بسیار زیبا و چشم نوازی بدان داده است. این ویژگیها در مجموع سبب شده است که با وجود ریز بودن حروف و پر بودن صفحات، خواننده مشکل چندانی در یافتن واژگان مورد نظر خود و مطالعه آنها نداشته باشد. از سوی دیگر معادل های فارسی کلمات آلمانی با ظرافت و هوشمندی بسیار برگزیده شده و توجه مؤلف فرهنگ به تفاوت های سبکی و گونه ای کلمات، سبب شده است که تشابهات و تفاوت های باریک و ظریف معنایی کلمات آلمانی و فارسی به دقت منعکس شود. اما به رغم تمام این ویژگیهای مثبت، ایراداتی نیز به کار فرهنگ وارد است که گرچه به راحتی



مشخص می‌شد که این فعل مفعول بی‌واسطه (آکوزاتیو) می‌گیرد، اطلاعات ارزشمندی در اختیار خواننده قرار می‌گرفت. این مسئله در مورد حرف اضافه افعال هم صادق است. مثلاً اگر در مقابل فعل schicken (= فرستادن) an+Akk، می‌آمد خواننده به سادگی درمی‌یافت که حرف اضافه این فعل an است و اسم پس از آن دارای حالت آکوزاتیو. ذکر این اطلاعات به اندازه‌ای مهم است که تاکنون فرهنگهای آموزشی متعددی از افعال آلمانی تدوین شده که تنها هدف آنها ذکر نوع متممها و یا حروف اضافه هر فعل بوده است.

چنانکه می‌دانیم اسمهای آلمانی به اشکال گوناگون جمع بسته می‌شوند، از این رو ضروری است در مقابل هر اسم تصریح شود که صورت جمع آن چگونه است. این امر کم و بیش در مورد صورت اضافه (گنیتیو) اسمها نیز صادق می‌کند. در این فرهنگ به هیچ‌یک از دو مورد فوق توجه نشده است.

صورت‌های تفصیلی و عالی صفت‌های آلمانی عموماً از قاعده خاصی پیروی می‌کند، در این موارد لازم نیست صورت تفصیلی و عالی تمام صفتها ذکر شود، اما ذکر صورت‌های استثنائی کاملاً ضروری است. مثلاً حتماً باید در مقابل صفت arm (= فقیر) صورت‌های تفصیلی ermer (= فقیرتر) و عالی armst (= فقیرترین) یا در مقابل صفت gut (= خوب)، صورت‌های تفصیلی besser (= بهتر) و عالی am bester (= بهترین) ذکر گردد. تعداد این صورت‌های استثنائی بسیار محدود است، اما تمام فرهنگهای آلمانی متذکر آنها شده‌اند.

در پایان تذکر مجدد این نکته ضروری است که فرهنگ حاضر از حیث فن آوریهای نوین فرهنگ‌نگاری، در تاریخ فرهنگ‌نویسی ایران تقریباً بی‌نظیر است. به علاوه فرهنگ حاضر هم از نظر اشمال بر لغات جدید که معمولاً بسیار دیر به فرهنگهای دوزبانه راه می‌یابند، و هم از حیث دقت مؤلف در انتخاب معادلهای مناسب و رعایت لایه‌های سبکی گوناگون زبان فارسی، دارای اهمیت و ارزش بسیاری است، و نکاتی که ذکر شده به هیچ وجه از ارزش کار مؤلف فرهنگ و از قدر و اهمیت این اثر نمی‌کاهد. امیدواریم در آینده نزدیک شاهد ویرایشهای دیگر این اثر و نیز چاپهای مفصل تر آن باشیم.

درمی‌یافت که این فعل جداشدنی است. از طرف دیگر تکیه‌گذاری تمام کلمات، می‌تواند راهنمای بسیار مفیدی برای نشان دادن تلفظ صحیح کلمات آلمانی به مراجعان فارسی‌زبان نیز باشد.

در فرهنگهای آلمانی معمولاً به نحوی از انحاء افعال با قاعده را از افعال بی‌قاعده متمایز می‌کنند و صورت‌های صرف شده افعال بی‌قاعده را (در صیغه‌های مصدری، گذشته ساده و اسم مفعول) ذکر می‌کنند. در این فرهنگ از این موارد ذکری به میان نیامده، حال اینکه تهیه فهرستی از افعال بی‌قاعده و صورت‌های صرف شده آنان، شاید بیش از ۵ یا ۶ صفحه این فرهنگ را اشغال نمی‌کرد. شاید بد نباشد که در چاپهای بعدی، فهرستی هم از صور صرف شده افعال بی‌قاعده فارسی برای آلمانی‌زبانها فراهم آید. همچنین بد نبود اگر در مورد افعال آلمانی مشخص می‌شد که ماضی نقلی کدام یک از آنها با sein به کار می‌رود و کدامیک با haben. این امر خاصه در مورد فرهنگی چون فرهنگ حاضر که بیشتر به کار مبتدیان می‌آید، ضرورت دارد.

افعال آلمانی گاه با مفعول بی‌واسطه (آکوزاتیو)، گاه با مفعول با واسطه (داتیو) و گاه با مفعول اضافه (گنیتیو) به کار می‌روند. از این رو ضروری است که در مورد افعالی که یکی یا بیشتر از این متممها می‌گیرند، نوع متمم آنها مشخص شود. مثلاً اگر در مورد فعل anrufen (تلفن کردن) با علائم اختصاری